**5شنبه 25/2/1404 – درس 36 تفسیر مدیریتی -** نمایش احیاگری و نوآوری نظم وارگی در مدیریت –ضرورت نمایشگاه خلاقیت ها

 [سوره الأنعام (6): آيات 95 تا 98]

إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى‏ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (95) فالِقُ الْإِصْباحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْباناً ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (96) وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فِي ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (97) وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (98)

[[1]](#footnote-1)

ترجمه‏

خداوند شكافنده دانه و هسته است. او زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج مى‏سازد. اين است خداوند. چرا از حق منحرف ميشويد؟ خدايى كه شكافنده گريبان صبحدم است و شب را وسيله آرامش قرار داده و خورشيد و ماه را وسيله محاسبات. اين است تقدير خداى مقتدر دانا.

اوست كه ستارگان را آفريد تا در تاريكيهاى صحرا و دريا بآنها هدايت شويد.

ما آيات را براى مردمى كه ميدانند، تفصيل ميدهيم. اوست كه شما را از يك تن آفريد، شما را جايگاه و امانتگاهى است. ما آيات را براى مردمى كه بفهمند، تفصيل مى‏دهيم.

بيان آيه 95- 96

قرائت‏

اهل كوفه «جعل الليل» و ديگران «جاعل الليل» قرائت كرده‏اند.

وجه قرائت دوم اين است كه قبل از آن «فالق الاصباح» بكار رفته. بنا بر اين اسم فاعل عطف بر اسم فاعل شده است. بديهى است كه حكم اسم اين است كه عطف شود بر اسمى مثل خودش. شاعر گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| للبس عبائة و تقر عينى‏ |  | احب الى من لبس الشفوف‏ |
|  |  |  |

يعنى: پوشيدن لباس درشت و روشنى چشم، براى من محبوبتر از پوشيدن لباس نرم است. در اينجا «تقر» را نصب داده، تا تاويل به مصدر برده شود. وجه قرائت اول اين است كه «فالق الاصباح» نيز بمعناى ماضى است. بنا بر اين ماضى عطف بر ماضى شده است.

لغت‏

فالق: شكافنده.

حب: دانه‏ها. جمع حبّه. نوى: جمع نواة، هسته‏ها اصباح: صبح سكن: وسيله آرامش حسبان: جمع حساب. برخى گفته‏اند مصدر است.

اعراب‏

الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ: منصوب به «جعل» مقدّر است. «حسبانا» مفعول دوم‏

مقصود

اكنون براى مشركين به شگفتى‏هاى آفرينش و تدبيرهاى حيرت انگيز خود، استدلال كرده، مى‏فرمايد:

إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى‏: خداوند دانه خشك و بيجان را مى‏شكافد و شاخه گياه را از آن بيرون مى‏آورد. همچنين هسته خشك را مى‏شكافد و از آن نخل و درختان ديگر خارج مى‏سازد. اين معنى از حسن و قتاده و سدّى است. ابن عباس و ضحاك گويند:

يعنى خداوند خالق دانه و هسته است. مجاهد و ابى مالك گويند: مقصود آن شكافى است كه خداوند در هسته و دانه ايجاد كرده و آنها را بدونيم مساوى تقسيم كرده است.

اين خود يكى از شگفتى‏هاى خلقت است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِ‏: خداوند گياه تازه سبز و زنده را از دانه خشك خارج مى‏سازد و دانه خشك را از گياه تر و زنده بيرون مى‏آورد.

اين معنى از زجّاج است. عرب، گياه سبز را زنده مى‏گويد. وقتى كه قطع يا خشك شد، آن را مرده مى‏نامند. حسن و قتاده و ابن زيد و ديگران گويند: يعنى خداوند موجودات زنده را از نطفه بيجان و نطفه بيجان را از موجودات زنده خارج مى‏سازد.

اين معنى صحيح‏تر است برخى گويند يعنى مؤمن را از كافر و كافر را از مؤمن جدا ميسازد. برخى گويند يعنى مرغ را از تخم و تخم را از مرغ بيرون ميآورد.

ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ‏: اين كارها را همه، خداوند انجام مى‏دهد. چرا از حق روى گردان مى‏شويد؟ چرا اين دلايل روشن را رها كرده، بدنبال باطل مى‏رويد؟

چرا تدبّر نمى‏كنيد تا بدانيد كه سزاوار نيست كه ديگرى را در عبادت شريك خداوند قرار دهيد كه به شما نعمت مى‏بخشد، دانه را مى‏شكافد و زراعت را از دانه و هسته بوجود مى‏آورد؟

فالِقُ الْإِصْباحِ‏: خدايى كه ظلمت و سياهى شب را مى‏شكافد و عمود صبح را از آن بيرون مى‏آورد. اين معنى از بيشتر مفسران است. ابن عباس گويد: يعنى خداوند خالق بامداد است.

وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً: ابن عباس و مجاهد و بيشتر مفسران گويند: يعنى خداوند شب را وسيله آرامش و استراحت شما قرار داده است. اينهم يكى از نعمتهاى بزرگ‏ خداوند است كه شب را براى آرامش و روز را براى كوشش و تلاش آفريده است. شب و روز را پياپى آورده و اين خود دليل قدرت بيكران اوست.

وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْباناً: ماه و خورشيد را در مدار خود بحركت در آورد.

خورشيد در 25/ 365 روز، برجهاى دوازده‏گانه را طى مى‏كند. ماه نيز در گردش خود ماه‏ها و سال قمرى بوجود مى‏آورد. حساب شب و روز و ماه و سال در زندگى انسانها بر گردش ماه و خورشيد قرار گرفته است. چنان كه مى‏فرمايد: «الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبانٍ» (الرحمن 5) و نيز مى‏فرمايد: «كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبياء 33: همگى در مدارى شناورند) اين بيان تفسيرى از ابن عباس، سدّى، قتاده و مجاهد است.

خداوند بوسيله اين جمله اشاره كرد به اينكه حساب گردش ماه و خورشيد، در معاملات و تاريخ و اوقات عبادت من براى مردم لازم و مقتضاى مصلحت آنهاست.

ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ‏: همه اينها يعنى شكافته شدن ظلمت شب بوسيله صبح و مهيا بودن شب براى استراحت و وسيله محاسبه بودن ماه و خورشيد، تقدير خداوندى است كه قدرت او بيكران است و كسى را نرسد كه سر از اطاعت قدرت او برپيچد. خداوندى كه به مصالح و تدبير مردم داناست.

بيان آيه 97- 98

قرائت‏

فمستقر: ابن كثير و ابو عمرو و يعقوب و زيد بكسر قاف و ديگران به فتح قاف خوانده‏اند.

ابو على گويد: هر گاه بكسر قاف بخوانيم، بمعناى «قار» است و در اينصورت بايد «منكم» در تقدير باشد. يعنى «فمنكم مستقر فى الارحام» و اگر بفتح قاف بخوانيم، اسم مفعول نيست، بلكه اسم مكان است و در اين صورت بايد «لكم» در تقدير باشد. كلمه «مستودع» ممكن است اسم مفعول و به معناى كسى كه بوديعت گذارده شده، باشد و ممكن است اسم مكان باشد. آنان كه «مستقر» را بكسر قاف خوانده‏اند «مستودع» را اسم مفعول دانسته‏اند و آنان كه «مستقر» را بفتح قاف خوانده‏اند «مستودع» را اسم مكان گرفته‏اند.

مقصود

اكنون خداوند متعال مطلبى را بيان مى‏كند كه دنباله مطالب پيش است و دليل توحيد و قدرت خداوند ميباشد. مى‏فرمايد:

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فِي ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ: خداوند كسى است كه براى منافع شما ستارگان را آفريد تا از نور و طلوع و جايگاه آنها در تاريكيهاى صحرا و دريا استفاده كنيد و راه خود را بجوييد، زيرا برخى از ستارگان در جلو انسان و برخى در پشت سر و برخى در سمت راست و برخى در سمت چپ قرار دارند و در مسافرتها و شهرها و يافتن قبله و تشخيص اوقات شب و پيدا كردن راه‏ها در صحراها و درياها، براى مردم راهنما هستند. بلخى گويد: جمله‏ «لِتَهْتَدُوا بِها» دلالت ندارد بر اينكه ستارگان فقط بخاطر راهنمايى مردم آفريده شده‏اند. بلكه‏

ترجمه تفسير مجمع البيان، ج‏8، ص: 199

خداوند ستارگان را براى منافع مهم و بى‏شمارى آفريده است. اگر كسى درباره ستارگان كوچك و بزرگ و اختلاف محل و مدار و اتصالات و حركات آنها و فوايد خورشيد و ماه و تأثير آنها در رشد و پرورش حيوانات و گياهان، دقت كند، صحت اين مدعى برايش ثابت ميشود. اگر آنها فقط براى راهنمايى انسان آفريده شده بودند، معنى نداشت كه برخى كوچكتر و برخى بزرگتر باشند و مدارات آنها با هم مختلف باشد: در تفسير على بن ابراهيم است كه منظور از نجوم، آل محمد ص است.

قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ‏: ما دلايل و آيات خود را براى مردمى كه از راه انديشه، علم پيدا كنند، بيان كرده‏ايم.

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ: خداوند شما را از حضرت آدم آفريده است، زيرا همه ما از آدم آفريده شده‏ايم و مادر ما حوّا نيز از پهلوى آدم آفريده شده است. اين خود يكى از منت‏هاى خدا بر انسان است، زيرا هر گاه همه انسانها فرزند يك پدر باشند، زمينه تعاون و دوستى و الفت، براى آنها مساعدتر است.

فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ‏: شما جايگاهى در رحم و منزلى در قبر داريد تا وقتى كه بر انگيخته شويد. اين معنى از عبد اللَّه بن مسعود است. سعيد بن جبير و عكرمه گويند:

يعنى شما را قرارگاهى در رحم مادران و پناهگاهى در پشت پدران است. مجاهد گويد:

يعنى شما را قرارگاهى در روى زمين و جايگاهى در آخرت نزد خداوند است. ابو العاليه گويد: يعنى قرارگاهى در زندگى اين جهان و جايگاهى پس از مرگ و پس از حشر داريد. حسن گويد: يعنى جايگاهى در قبر و منزلى در دنيا داريد. مى‏گفت: يا بن آدم، تو در ميان خانواده خودت وديعه هستى و نزديك است كه به جايگاه خود رفته، به رفيقت ملحق شوى. سپس شعر لبيد را مى‏خواند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و ما المال و الاهلون الا وديعة |  | و لا بد يوما ان ترد الودايع‏ |
|  |  |  |

يعنى: مال و خانواده، در دست انسان وديعه‏اى هستند كه بايد روزى باز گردانده شوند.

در همين معنى سليمان بن زيد عدوى گفته است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فجع الاحبة بالاحبة قبلنا |  | فالناس مفجوع به و مفجع‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مستودع او مستقر مدخلا |  | فالمستقر يزوره المستودع‏ |
|  |  |  |

يعنى: پيش از ما دوستان بمصيبت دوستان گرفتار شدند. گروهى از مردم ميميرند و گروهى گرفتار مصيبت مى‏شوند و سرانجام همگان بجايگاه اصلى خود مى‏روند.

قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ‏: ما دلايل خود را براى آنها كه فهم دارند و عبرت مى‏گيرند، بتفصيل بيان مى‏كنيم. چرا مى‏گويد براى آنها كه فهم دارند بيان مى‏كنيم؟ علت اين است كه فقط اينها هستند كه از دلايل قرآنى استفاده مى‏كنند.

همانطورى كه متقين هستند كه از هدايت قرآنى بهره‏مند مى‏شوند. اين جمله را در آيه پيش و در اين آيه تكرار كرد تا دلالت كند بر اينكه هر يك از اين مطالب، جداگانه در خور دقت هستند و دليل يگانگى و عظمت خداوند ميباشند.

تفسیر مدیریتی

 نمایش احیاگری و نوآوری نظم وارگی در مدیریت

 نمایش نو آوریها ریز کاویها و دانش هسته ای لازم است نمایشگاه لازم است با ید از خدا آموخت که آیات سماوی و ارضی خود را که مرآت قدرت و تدبیر اوست به نمایش خلق میگذارد آینه آیات و ویترین تازه ها و منظومه ها

1. نمایش ریز کاوی که دانه و هسته را چگونه میشکافد شاید همان دانش هسته ای باشد إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى
2. احیاگری و باز آفرینی ‏ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ
3. ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (95) این خدای شماست به سمت نمایشگاههای دیگر میل نکنین تا این جا هست
4. فالِقُ الْإِصْباحِ نمایش روز امدی
5. وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً آرامش گری در زمان مناسب
6. وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْباناً مدیریت زمان و تقویم
7. ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (96) این نمایشی از برنامه ریزی و تقدیر پیش رفته است
8. وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فِي ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ نمایشگاه هدایت گری با ابزار هدایت گری هوشمند و نور آفرین و روشنگر راه
9. قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (97) این نمایشگاه برای نخبگان است که میتوانند الگو گیری نمایند
10. وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ آفرینش گری از یک نمونه شروع میشود که قابل تکثیر انبوه است
11. فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ نمایشگاه او دائمی وثابت و نیز در گردش است مثل بازدید گنندگان نمایشگاه که دارای مستقر و مرکزیت و مستودع یعنی شعب مختلف و پراکنده هستند بنا بر اقتضائات فصلی
12. قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (98) در این نمایشگاه نشانه ها و نمو نه ها به شکل جدا جدا در غرفه ها و ویترین ها ی منظم و تعریف شده قرار گرفته تا اهل فهم و فقه از آن نسخه برداری با درک صحیح جهت الگو گیری هستند

نتیجه : باید نمایشکاه ثابت و متحرک داشته باشند سازمانها و تازه ها را در معرض قرار دهند برای عموم که قدرت خدا را ببینند و بر ایمانشان افزوده شود وبرای عالمان و فقیهان برای الگو گیری و استنساخ و توسعه امور مدنی و معنوی (والله العالم)

[[2]](#footnote-2)

ترجمه‏

خداوند شكافنده دانه و هسته است. او زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج مى‏سازد. اين است خداوند. چرا از حق منحرف ميشويد؟ خدايى كه شكافنده گريبان صبحدم است و شب را وسيله آرامش قرار داده و خورشيد و ماه را وسيله محاسبات. اين است تقدير خداى مقتدر دانا.

اوست كه ستارگان را آفريد تا در تاريكيهاى صحرا و دريا بآنها هدايت شويد.

ما آيات را براى مردمى كه ميدانند، تفصيل ميدهيم. اوست كه شما را از يك تن آفريد، شما را جايگاه و امانتگاهى است. ما آيات را براى مردمى كه بفهمند، تفصيل مى‏دهيم.

برای مطالعه

[سوره الأنعام (6): آيه 99]

وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلى‏ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِنَّ فِي ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (99)

[[3]](#footnote-3)[[4]](#footnote-4)

1. ( 1)- آيه 95 و 96 و 97 و 98 سوره انعام جزء 7 سوره 6 [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 1)- آيه 95 و 96 و 97 و 98 سوره انعام جزء 7 سوره 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 1)- آيه 99 سوره انعام جزء 7 سوره 6 [↑](#footnote-ref-3)
4. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-4)